

به نام آن که جان را فکرت آموخت

نخستین سخنِ سردبیر:

مطالعات ادبیات تطبیقی در مسیر بالندگی‌اش از روش‌های گوناگونی به ادبیات و هنرها پرداخته است، و این نشان از آن دارد که پژوهشگران ادبیات تطبیقی کاوشگر راه‌ها و روش‌های تازه‌اند تا از زوایای متکثری به ظرفیت‌های ادبیات بپردازد.

مجله مطالعات ادبیات تطبیقی در دوره‌ای دیگر که پیش رو دارد از دریافت و داوری مطالعات ادبیات تطبیقی ژرف‌نگر همکاران دانشگاهی در قالب مقالات علمی پژوهشی استقبال می‌کند؛ با علم به این حقیقت که ماهیت این نوع مطالعات، یافتن ایده‌ای از درون ادبیات و مطالعه آن به کمک دیگر آثار ادبی یا هنری به سودای توسعه مفاهیم خلاق انسانی‌ست؛ و این نکته را می‌توان مرزی میان مطالعات ادبیات تطبیقی و دیگر مطالعات در اقلیم ادبیات در نظر آورد.

در مطالعات ادبیات تطبیقی که توسط پژوهشگران در جهان صورت می‌پذیرد، شاهد برگزیدن منظرهای پژوهشی متفاوتی از سوی آن‌ها هستیم که در واقع روش یا راهی برای رسیدن به مقصد پژوهش است. عمده روش‌هایی که بیشتر پژوهشگران ادبیات تطبیقی، در طی مسیر رشد، برای انجام مطالعات خود برگزیده‌اند، از جمله روش‌هایی است که با عبارات زیر می‌توان از آن یاد کرد: روش‌های اثبات‌گرایانه کلاسیک به سودای یافتن تاثیرات، همجنسی مضامین، یافتن تم‌های آشکار و پنهان، مطالعه اسطوره‌ها، ریخت‌شناسی آثار، زمینه‌های اجتماعی آثار، مطالعات ترجمه، توسعه‌انگاره‌های ادبی در دیگر آثار خلاقه و ...

روش‌هایی که تا امروز بستر مطالعه بوده‌اند و همچنان زمینه مطالعات آن فراهم است و استمرار دارد. اما بی‌تردید، زمینه کار رو به توسعه است و چشم‌انتظاریم تا پژوهشگران ما در فضای دانشگاهی، روش‌های تازه‌ای را با طرح موضوعاتی تازه در این مطالعات، در قالب مقالات علمی پژوهشی ارائه نمایند.

در بیشتر مقالاتی که تاکنون در همین بازه زمانی کوتاه حضور سردبیر جدید، دریافت کرده‌ایم، دیده‌ایم که مولف در آغاز سخن، در تلاش برای اقناع مخاطب است تا او را از نوع مطالعه مورد نظر آگاه کند و بگوید که مطالعه خویش در ذیل پژوهش‌های تطبیقی جای می‌گیرد. به واقع می‌توان چنین پنداشت که مولف سودای اقناع داوران را دارد تا خواننده؛ و اینچنین، حجمی از مقاله که نیازمند

پرداختن به اصل موضوع ست، از دست می رود و می دانیم که داوران نیازمند ادله ای بر اثبات موضوع مجله نیستند؛ بلکه در انتظار فهم شیوه و اصل پژوهش‌اند.

نکته دیگر این که از مولفان گرانقدر انتظار می رود که نگارش را در مقام ابزار اجرای اندیشه خود، آنچنان ارج نهند که مخاطب را از زیبایی نثر خود، بی بهره نگذارند. در برخی از مقالات، خاصه در بخش نتیجه، مولف محترم نکته های برآمده از مقاله را به صورت بند بند ارائه می دهد. چنین رویه ای بیشتر قالبی برای ارائه گزارش است تا مقاله ای علمی - پژوهشی؛ مگر این که ضرورتی ایجاب کند تا برای به ذهن سپاری خواننده، اینچنین عمل شود.

باقی سخن بماند برای دومین سخن. اما در این جا، در نخستین سخن سردبیر، لازم است از گردانندگان پیشین و به واقع بانیان این مجله، جناب آقای دکتر پروینی و جناب آقای دکتر خدایار، در مقام محترم سردبیر و مدیر مسئول سپاسگزار باشیم؛ از این روی که مجله را تا به این جا به شایستگی راهبری کردند و هم این که سبب شدند تا فضای دانشگاهی، از معرفت افزایی این نوع مطالعات، بی نصیب نماند.